

« ایران کهن ما، نخستین و بزرگترین قربانی امپریالیسم بیابانی تازه نفسی بود که خلافت عرب بر آن رنگ سبز مذهب زده بود، اما رنگ واقعی آن، مثل همه امپریالیسم‌ها دیگر رنگ خون‌هایی بود که شمشیرهای بادیه نشینان سعد و قاص را رنگین کرد.

در همه این ۱۴۰۰ سال، غارتگری که یا از بیابانهای خشک جنوبی آمده بودند و یا از استپ‌های سرد شمالی، وجه مشترک جملگی آنها چادرنشینی و بی فرهنگی و راهزنی بود، خون مردمی را که یکی پس از دیگری به اسارت گرفتند ریختند و مالشان را بردند و اصالت روح و اندیشه آنان را به چالش گرفتند. تراژدی کشاکش هزار و چهار صد ساله فرهنگ باوری که روزگاری بر ستایش زندگی و بر سازندگی و آفرینندگی بنیاد نهاده شده بود و بدست اینان تبدیل به فرهنگ مرگ و عزای روضه خوانان و بهشت زهراسازان شد، با فرهنگ غیر ایرانی عرب و ترک و قزلباش، از تلخ‌ترین تراژدیهای تاریخ ایران. همه تاریخ جهان است، زیرا احتضار دردناک فرهنگ والایی است که اگر هم هنوز نفسی برایش باقی مانده است، توانی برایش باقی نمانده است.

مسلمانان خود ملت ما نیز سهم خویش را در این تراژدی آفرینی بر عهده دارد، زیرا بیعدالتی‌های اجتماعی و تبعیضات طبقاتی و بخصوص خودخواهی‌ها و قدرت‌طلبی‌ها آخوندان زرتشتی بود که به تعبیر Clément Huart مورخ نامی آغاز قرن بیستم اروپا، در خانه را روی دزدان باز گذاشت. ولی گناه یک صاحبخانه در بازگذاشتن در خانه اش، بهر حال چیزی از آن گناه دزدانی که به تاراج خانه می‌ایند نمی‌کاهد. اگر جز این بود بر هیچیک از غارتگران شناخته شده تاریخ جهان، آتیلاها، چنگیزها، محمود غزنوی‌ها، تیمورها، نادرها، و بر Conquistadorهای اسپانیایی و دیگر بنیادگذاران امپراتوریهای مستعمراتی کهن و نو جای ایرادی نبود، زیرا که تقریباً همه آنها از باز بودن درهای خانه قربانیان خویش بهره گرفتند.

منافع مشترک همه کارگردانان تاریخ جهان اسلامی، از امیرالمومنین‌های ۱۴۴ گانه عرب و ترک آن که خود را جانشینان بلاعزل پیامبر عرب خواندند، تا پادشاهان و نیچمه شاهان و امیران و ایلخانان و اتابکان و ممالیکی که در طول ۱۴۰۰ سال بر این جهان پهناور حکم راندند و ده‌ها هزار بیضه‌دا بزرگ و کوچک دین که به تعبیر صائب تبریزی بزرگی عمامه و قطر شکم را در جای فضیلت ناموجود گذاشتند و سراسر تاریخ اسلامی را بصورت یک سوپرمارکت دین‌فروشی و ریا و دروغ و تقریباً همیشه آمیخته با خون و مرگ و اختناق درآوردند، در همه این دوران بر این تمرکز یافته است مهمه این شمشیرکشی‌ها و غارتگریها و دکانداریهای دین را بحساب آن اسلام ناب محمدی گذارند که احتمالاً خود محمد حتی تصویری از آنرا نیز نکرده بود، همچنانکه همه جنایتهای دوهزار ساله کلیسای مسیحیت بحساب آن ژنده پوش ساده دلی نهاده شد که حتی از شنیدن کلمه شمشیر نیز نفرت داشت.

رسالت ایران ما در همه تاریخ اسلامی خودش «نه» گفتن بدین فریبکاری ۱۴۰۰ ساله از همه راههای ممکن بوده است. امروزه نیز رسالت درهم شکستن این حلقه دوزخی، بیش از هر بخش دیگر این جهان اسلامی بر عهده نسل جوان همان کشوری است که شرم‌ترین آزمایش عصر این جهان، در کمتر از سه دهه پیش، بدست نسل پدران آن انجام گرفت.....

بگذاریم اسلام سیاسی چماقداری که پس از چهارده قرن میداناری، و با همه دست‌بریدنها و سنگسارها و حد زدن‌ها و تعزیرهایش جز موضع حقیرانه جهان‌سومی با توشه‌های گران‌فقر و جهل و بیماری و فساد و عقب‌ماندگی چیزی برای بیش از یک میلیارد پیروانش به همراه نیاورده است با جبر تاریخ به فراموشخانه همین تاریخ سپرده شود تا برای همین اسلام امکان آن فراهم آید که این بار در صورت یک مذهب و در تطبیق با الزامات انکارناپذیر تمدن و فرهنگ بشری، پا به میدان گذارد. «

و در باره نحوه شیر خوردن محمد، در «کافی» معتبرترین کتاب
حدیث شیعه روایت شد که:

«چون پیغمبر صلی اله علیه و آله متولد شد، چند روز بی شیر
بود. ابوطالب آن حضرت را به سینه خود افکند و خدا در سینه او شیر
جاری ساخت و تا چند روز پیغمبر از آن شیر میخورد تا آنگاه که
ابوطالب حلیمه سعیدیه را پیدا کرد و پیغمبر را برای شیر خوردن بدو
داد»^۳

۳ - ابوجعفر کلینی در «اصول کافی» کتاب الحججه، باب مولدالنبی.

و در باره شیر خوردن محمد از پستان ابوطالب میتوان پرسید
که آیا معقولتر نیست که راویان بزرگوار بجای اینکه خداوند را به
رویاندن پستان در سینه شیخ ریش و پشم دار محترمی از زعمای
قریش واداشته باشند، معجزه آسانتری را از قبیل فرستادن شیر از
آسمان توسط فرشته ای برای این منظور در نظر گرفته باشند یا اصلاً
این نوزاد را با لطف خاص الهی از شیر خوردن بی نیاز دانسته باشند؟

از کتاب «فرهنگ دانش و هنر» بقلم سعید محمودی
چاپ چهارم - انتشارات گلشن - تهران - ۱۳۴۹
۱۳۶۷

گلپویی

ابوجعفر، محمد بن یعقوب رازی معروف به ثقة الاسلام، از بزرگان و مشایخ شیعه و
علمای امامیه است و نخستین کسی است در اسلام که به لقب ثقة الاسلام ملقب گشته و در زمان غیبت امام،
مروج مذهب شیعه بوده است. وی دارای تألیفات چندی است که مشهورتر از همه، کافی است.
او مدت بیست سال برای تألیف آن وقت صرف کرده و حاوی شانزده هزار و یکصد و نود و نه حدیث
و بنام اصول و فروع و روضه، به سه قسمت مشتمل است. از تألیفات وی میتوان رساله الالکمه،
کتاب الرجال و تعبیر الرقیبا را نام برد.

کلینی، از علمای زمان غیبت صغری است. وفات وی در ماه شعبان سال ۲۴۹ هجری قمری،
در بغداد اتفاق افتاده و در باب الکوفه، داخل بازار، نزدیک جسر، مدفون گردیده است.